

امین عربی: همکاری‌های ایران و روسیه در فرآیند سرمایه‌گذاری و تجارت جهانی گاز



وزارت نفت فعالیتهای گسترده‌ای در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی و تجارت انرژی با اولویت همسایگان برداشته است. روابط دوجانبه با همسایگان، همیشه اولویت جمهوری اسلامی ایران بوده و برای حاکمیت اراده ملتهای منطقه بر سرنوشتشان و کوتاه کردن دست زورگویان و چپاولگران بر منابع و منافع این کشورها، هزینه‌های فراوانی پرداخته است. در گستره ارتباطات اقتصادی در سطح بین‌الملل و در حوزه صنعت گاز، ارتباط صنعت گاز ایران و روسیه از این جهت که مقام نخست و دوم بزرگ‌ترین ذخایر گازی جهان در دست این دو کشور است، اهمیت بالایی دارد. مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران از امضای بزرگ‌ترین تفاهم‌نامه سرمایه‌گذاری تاریخ صنعت نفت با گاز پروس روسیه خبر داده است. بررسی اهمیت این تفاهم‌نامه از نظر اقتصادی با توجه به توانمندی‌های هر دو طرف، اقدامی قابل‌ملاحظه و معرفی نوعی تحلیل اقتصادی به‌منظور شناسایی ابعاد مختلف موضوع، مناسب است.

سیمای صنعت گاز ایران

ذخایر گازی ایران و صنایع مرتبط با آن، بخش بزرگی از اقتصاد و افق برنامه‌ریزی کشور را تشکیل می‌دهد. ایران بر اساس آمارهای رسمی منتشرشده، با برخورداری از حدود ۳۳.۲ تریلیون مترمکعب از ذخایر اثبات‌شده گاز جهان و سهمی معادل ۱۷.۲ درصد، جایگاه دوم را در میان دارندگان ذخایر عمده گاز جهان به خود اختصاص داده است. ایران اکنون پس از آمریکا و روسیه رتبه سوم تولید گاز را در اختیار دارد و ۶ درصد گاز جهان را تولید می‌کند.

تولید کشور، اختلاف زیادی با آمریکا با ۲۰ درصد و روسیه با ۱۷ درصد تولید گاز جهان دارد و اختلاف تولید با قطر با توان تولید ۵ درصد گاز جهان بسیار اندک است. ایران اکنون کمتر از ۲ درصد و روسیه حدود ۲۵ درصد و قطر تقریباً ۱۰ درصد از سهم تجارت جهانی گاز را در اختیار دارند. وضع کشور در تجارت جهانی گاز و توانمندی‌های صنعت گاز نشان می‌دهد برنامه‌های گازی کشور نیازمند انتخاب راهبردی مناسب به‌ویژه در ارتباط با بازیگران این صنعت است؛ راهبردی که با توجه به ساختار بازار گاز طبیعی با تکیه بر همکاری‌های مشترک بین صاحبان عمده گاز، نتایج مثبت اقتصادی به همراه دارد. شرکت ملی گاز ایران همچنین تجربه تجارت گاز با کشورهای ترکمنستان، ترکیه و برنامه انتقال گاز به عراق، عمان، هند و پاکستان را دارد.

در بعد داخلی، روند مصرف گاز کشور بر اساس آمارهای منتشرشده به این صورت است که نیروگاه‌های حرارتی برای تولید برق ۳۲ درصد، بخش صنعت ۱۹ درصد، بخش خانگی ۲۸ درصد، صنایع عمده مانند پتروشیمی‌ها، پالایشگاه‌ها و کارخانه‌های سیمان ۹ درصد، بخش عمومی ۴ درصد، بخش حمل‌ونقل ۳ درصد و بخش کشاورزی یک درصد، از کل گاز طبیعی داخل را مصرف می‌کنند و گازهای قرائت نشده ۴ درصد است. این سهم‌ها معمولاً در کوتاه‌مدت تغییر نمی‌کند.

شرکت ملی گاز ایران دارای هفت شرکت پالایش گاز با ظرفیت‌های متفاوت است. پالایشگاه گاز بید بلند ۱ و مسجدسلیمان با ظرفیت ۲۸.۲ میلیون مترمکعب در روز، پالایشگاه گاز شهید هاشمی‌نژاد با ظرفیت ۵۰، پالایشگاه گاز سرخون و قشم، با ظرفیت ۱۶، پالایشگاه گاز پارس‌یان، با ظرفیت ۸۳، پالایشگاه گاز ایلام با ظرفیت ۷، پالایشگاه گاز فجر جم با ظرفیت ۱۲۵، شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی با ظرفیت بیش از ۵۶۲ میلیون مترمکعب گاز در روز، در مجموع ۸۷۱ میلیون مترمکعب گاز دریافتی از مخازن گازی کشور را پالایش می‌کنند. انتقال این حجم گاز از طریق ۱۰ منطقه عملیات انتقال گاز با مدیریت شرکت انتقال گاز

ایران به همراه فعالیت‌هایی همچون دریافت گاز طبیعی، اتان، گاز مایع و میعانات گازی از منابع تولید داخلی و خارجی و انتقال به مبادی مصرف داخلی و پایانه‌های صادراتی، از طریق ۳۸ هزار کیلومتر خطوط لوله فشار قوی در سراسر کشور، ۸۱ ایستگاه تقویت فشار، ۲۹۲ دستگاه کمپرسور و یک شبکه مدرن مخابراتی و تله‌متری صورت می‌گیرد. همچنین شرکت ملی گاز ایران برای توزیع گاز از شبکه‌های گسترده‌ای در شهرها و روستاها به‌صورت حلقوی و آنتنی برخوردار است.

سیمای صنعت گاز روسیه

ذخایر اثبات شده گاز طبیعی روسیه، بالغ بر ۱۸۰۳ درصد از کل ذخایر گاز طبیعی جهان است. شرکت گازپروم که وظیفه [استخراج](#)، تولید، انتقال و فروش [گاز طبیعی](#) در روسیه را بر عهده دارد، با بیش از ۱۵۸۰۲۰۰ کیلومتر [خط لوله گاز طبیعی](#) و ۲۸۲ ایستگاه کمپرسور، بزرگ‌ترین شبکه انتقال گاز جهان را در اختیار دارد. روسیه سهم بزرگی از تجارت گاز در اروپا و آسیا را به خود اختصاص داده است.

در مبادلات گازی، سرمایه‌گذاری برای احداث خطوط انتقال گاز یک ضرورت است و روسیه این مهم را در ابعاد بزرگی انجام داده است. خطوط انتقال گاز افزون بر انتقال گاز می‌تواند پیوند سیاسی امنیتی بین کشورها را تقویت کند، بنابراین سرمایه‌گذاری در احداث خطوط لوله افزون بر جنبه اقتصادی، منافع سیاسی و امنیتی به همراه دارد. روسیه سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در این زمینه انجام داده است. خطوط لوله‌ای که روسیه برای انتقال گاز احداث یا در حال احداث دارد، بخش بزرگی از بازار بین‌المللی را در بر می‌گیرد.

این خطوط شامل خط لوله انتقال گاز طبیعی بلو استریم به طول ۱۲۱۳ کیلومتر است که از شهر ایزوبیلنی، در کشور روسیه آغاز و پس از گذر از زیر دریای سیاه، در شهر آنکارا، کشور ترکیه پایان می‌یابد. ظرفیت انتقال گاز طبیعی این خط لوله روزانه معادل ۴۵ میلیون مترمکعب است.

خط لوله پاور آو سبری که از سوی شرکت گازپروم روسیه احداث شده، به طول حدود ۳۰۰۰ کیلومتر است و از میدان‌های گازی چایاندا و کوفیکتا در سبری به بلاگووچنسک در نزدیکی مرز چین امتداد می‌یابد.

خط لوله ترک‌استریم ۱۰۹۰ کیلومتر طول دارد و از شهر آناپا، سرزمین کراسنودار، روسیه آغاز شده و پس از گذر از دریای سیاه، در شهر

لوله بورگاس، کشور ترکیه پایان می‌یابد. ظرفیت انتقال گاز طبیعی این خط لوله روزانه معادل ۸۰ میلیون مترمکعب است. خط لوله ساخالین - خاباروفسک - ولادیوستوک ۱۸۲۲ کیلومتر طول دارد و از ساخالین، روسیه آغاز شده و پس از گذر از شهرهای کامسامولسک بر آمور و خاباروفسک در شهر ولادیوستوک پایان می‌یابد. ظرفیت انتقال گاز طبیعی این خط لوله روزانه معادل ۱۰۰ میلیون مترمکعب است.

خط لوله اورنگوی - پوماری - اوژهورود به طول ۴۵۰۰ کیلومتر از میدان گازی یرنگوی در روسیه آغاز شده و پس از گذر از شهرهای ایژوسک، یلتس، کورسک، رومنی، ژمرینکا و ایوانو - فرانکیفسک، در کشور اوکراین و در شهر اوژهورود پایان می‌یابد. ظرفیت انتقال گاز طبیعی این خط لوله روزانه معادل ۸۵ میلیون مترمکعب است.

خط لوله یامال - اروپا به طول ۴۱۹۶ کیلومتر از روسیه آغاز شده و پس از گذر از بلاروس، در لهستان پایان می‌یابد. ظرفیت انتقال گاز طبیعی این خط لوله روزانه معادل ۹۰ میلیون مترمکعب است.

خط لوله ساوت استریم به طول ۲۳۸۰ کیلومتر از کشورهای روسیه، بلغارستان، صربستان، مجارستان، اسلونی و اتریش عبور می‌کند. ظرفیت انتقال گاز طبیعی این خط لوله روزانه معادل ۴۵ میلیون مترمکعب است.

خط لوله نورد استریم به طول ۱۲۲۲ کیلومتر از شهر ویبورگ، در کشور روسیه آغاز شده و پس از عبور از بستر دریای بالتیک، در شهر گرایفسوالد، آلمان پایان می‌یابد. ظرفیت انتقال گاز طبیعی این خط لوله روزانه معادل ۱۵۰ میلیون مترمکعب است.

روسیه در برنامه‌های خود بر تقویت حضور در بازار انرژی برای اهداف توسعه اقتصادی و نفوذ منطقه‌ای استفاده می‌کند. کشورهای واردکننده گاز از تنوع در عرضه و خارج کردن بازار گاز از انحصار فروش، استقبال می‌کنند.

دیپلماسی و بازارهای هدف روسیه و ایران

روسیه اکنون درگیر جنگ با اوکراین است. طول زمان جنگ به هر میزان که هست آثار آن در بلندمدت و برای سال‌های طولانی باقی می‌ماند. جنگ می‌تواند شکستی ساختاری در اقتصاد و همکاری‌های بین‌المللی ایجاد کنند و روابط کشورها را به کلی دگرگون سازد. اگرچه ایران تلاش‌های گسترده‌ای برای جلوگیری از تنش در منطقه دارد، اما دخالت‌های

قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تهدیدهای امنیتی، تصمیم‌های دشواری را پیش پای ملت‌ها قرار می‌دهد که جنگ اوکراین نیز یکی از این موارد است. جنگ اوکراین و تصمیم به تحریم روسیه از سوی غرب شباهت زیادی به تحریم ایران دارد. گسترش ناتو و تحریم‌های طالمانه هر دو به ضرر منافع ملی ماست. به نفع ایران است که در جهت منافع خود از تصمیم‌هایی که قدرت تحریم‌ها را تضعیف و حضور نظامی قدرت‌های فرا منطقه را با چالش روبه‌رو می‌کند، استقبال کند.

پیش از این در برنامه توسعه روسیه، استفاده از ظرفیت‌های پیرامونی مشاهده می‌شود. عبور خطوط لوله انتقال گاز از میان کشورهای منطقه، نمونه‌ای از همکاری‌های بین‌المللی برای صلح و امنیت به شمار می‌آید؛ موضوعی که همواره نشانه‌هایی از دخالت کشورهای غربی در تغییر مسیرهای خطوط انتقال انرژی در ابعاد بین‌المللی را به زیان کشورهای منطقه آشکار می‌کند.

راهبردهای پیش روی شرکت ملی گاز ایران در مبادلات بین‌المللی

شرکت ملی گاز برای اینکه سهم مطلوبی از تجارت جهانی، به دست آورد، با چند راهبرد در پهنه بین‌المللی روبه‌روست. پیش از آن نیز در نظر گرفتن واقعیت‌های بازار انرژی و ظرفیت‌ها و توانمندی‌های فعالان عرضه انرژی به تصمیم‌سازی درست می‌انجامد.

روسیه بازیگر اصلی تجارت و قیمت‌گذاری گاز در بازارهای منطقه و جهان است. از آنجا که ابزار نظامی اولویت خود را به ابزار نرم و سیاسی داده است و دیپلماسی انرژی به یکی از شیوه‌ها و ابزارهای تأمین امنیت ملی بدل شده است، روسیه تبحر، اقتدار و راهبردهای مشخصی در این حوزه دارد. بازار گاز و برنامه‌های راهبردی کشورها در صحنه بین‌الملل به دیپلماسی گازی کشورهای دارنده ذخایر گازی بستگی دارد و دیپلماسی گازی به معنای نفوذ سیاسی دولت‌ها برای افزایش منافع اقتصادی آنها در بازارهای بین‌المللی تعریف می‌شود، از این رو آگاهی کامل به دیپلماسی گازی کشورها در تصمیم‌گیری برای راهبردهای منطقه‌ای، ضروری است.

برنامه کشور ما در رویارویی با کشورهای روسیه، قطر و ترکمنستان می‌تواند برای بازارهای اروپا، اوراسیا و سایر مناطق بر محور رقابت یا همکاری استوار باشد. ایران با سه کشور روسیه، قطر و ترکمنستان، به عنوان تولیدکنندگان اصلی گاز در منطقه رقابت دارد. تبدیل این رقابت به همکاری منافع زیادی را از طریق کاهش هزینه

انتقال گاز، نصیب جامعه جهانی می‌کند. هر تصمیمی که تولیدکنندگان گاز بگیرند، پیامدهای مثبت و منفی به همراه دارد.

بزرگ‌ترین بازارهای پیش روی کشورها صاحب ذخایر گازی، بازارهای اروپا، هند و چین است. مصرف‌کنندگان گاز به دنبال تنوع بازار برای دوری جستن از قدرت انحصاری تولیدکنندگان در قیمت‌گذاری و جلوگیری از قطع گاز به دلیل فنی، اقتصادی و سیاسی هستند و تولیدکنندگان نیز انحصار برای قیمت‌گذاری و استفاده سیاسی از قدرت گاز را دنبال می‌کنند.

ایران با توجه به جغرافیای ذخایر گاز، بازار تولید و مصرف، آینده رشد اقتصادی کشورها، وضع حامل‌های انرژی، جایگاه فرا منطقه‌ای و سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در مسیر انتقال گاز و حساسیت‌های بین‌المللی و سطح انعطاف‌پذیری قدرت‌های گازی، راهبردهای مختلفی پیش روی خود دارد.

ایران در مواجهه با روسیه از یک سو وفق برنامه حضور این بازیگر قدرتمند در بازار گاز را مدنظر دارد. روسیه راهبرد استفاده اقتصادی و سیاسی از گاز طبیعی را اتخاذ کرده و از سرسختی بالایی در بازار برخوردار است. این کشور به دلیل سرمایه‌گذاری بالا در ایجاد شبکه انتقال گاز به دنبال انحصار فروش و حفظ قدرت قیمت‌گذاری است. از طرف دیگر کشورهای واردکننده گاز نگران از قیمت انحصاری گاز، برای رفع نگرانی از قطع گاز به دلیل فنی، اقتصادی و سیاسی و تنوع‌بخشی به بازار، از سرمایه‌گذاری‌های جدید سایر کشورها استقبال می‌کنند. کنش‌های این دو نیرو می‌تواند مبنای کامیابی یا ناکامی برای برنامه‌ریزی در بازار جهانی گاز باشد.

راهبرد پیش روی کشورهای واردکننده انرژی متفاوت از راهبرد پیش روی کشورهای تولیدکننده است. از آنجا که شرایط انحصار طبیعی بر بازار گاز حاکم است و گاز طبیعی افزون بر توانایی تأمین سوخت، به عنوان خوراک صنایع شیمیایی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد، تصمیم‌گیری‌ها پیچیده می‌شود. بخشی از تولید، انتقال و توزیع گاز طبیعی در قالب بازار انحصار طبیعی، قابل تعریف است، البته رفتار بازیگران اصلی ممکن است شبکه‌ای از رهبری قیمت را آشکار سازد.

رفتار تولیدکنندگان در بازار انحصار طبیعی به گونه‌ای است که حداقل هزینه تولید، جایی صورت می‌گیرد که می‌توان با آن هزینه تمام بازار را پوشش داد. به عبارت دیگر، هزینه‌هایی که برای عرضه انجام

می‌شود، برای عرضه گاز به تمام بازار کافی است. با این پیش‌فرض، دو راهبرد پیش روی تولیدکنندگان قرار می‌گیرد.

اول اینکه روسیه و ایران به‌عنوان صاحبان عمده گاز، چنانچه فعالیت‌ها و برنامه‌های خود را در بازارهای مشترک از طریق رقابت برای کسب سهم بیشتر، استوار کنند، هر دو کشور باید لزوماً در یک هزینه متوسط بالا، تولید کنند. در این صورت انگیزه کاهش هزینه و در نتیجه کاهش قیمت جنگ اقتصادی بین دو تولیدکننده ایجاد می‌شود و نتیجه مشخص آن بیرون راندن یکی از تولیدکنندگان از بازار خواهد بود. تکیه کشورها بر درآمد حاصل از صادرات گاز در بلندمدت وضع را به ضرر تولیدکنندگان رقم خواهد زد.

دوم اینکه روسیه و ایران در بازار انحصاری گاز طبیعی، راهبرد همکاری را انتخاب کنند. این همکاری یک سازمان انحصاری را شکل می‌دهد که در نتیجه آن هر دو کشور از مزایای آن بهره می‌برند. تفاهم‌نامه گازی میان جمهوری اسلامی ایران و روسیه در زمینه سرمایه‌گذاری مشترک و تجارت گاز در واقع مقدمه‌ای بر تشکیل یک سازمان انحصاری به نفع جامعه جهانی است، از این جهت که با توجه به ماهیت انحصاری بازار گاز طبیعی، این سازمان انحصاری با توسعه بازارها، گاز را با کمترین قیمت در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌دهد. جامعه جهانی که با تشکیل سازمان تجارت جهانی از طریق حذف تعرفه‌های تجاری، افزایش رفاه و بازدهی تجارت را دنبال می‌کند، قادر است از طریق طبیعت کاهش قیمت در برخی بازارها، منافع زیادی را نصیب جامعه جهانی کند.

امین عربی

دکترای اقتصاد بین‌الملل